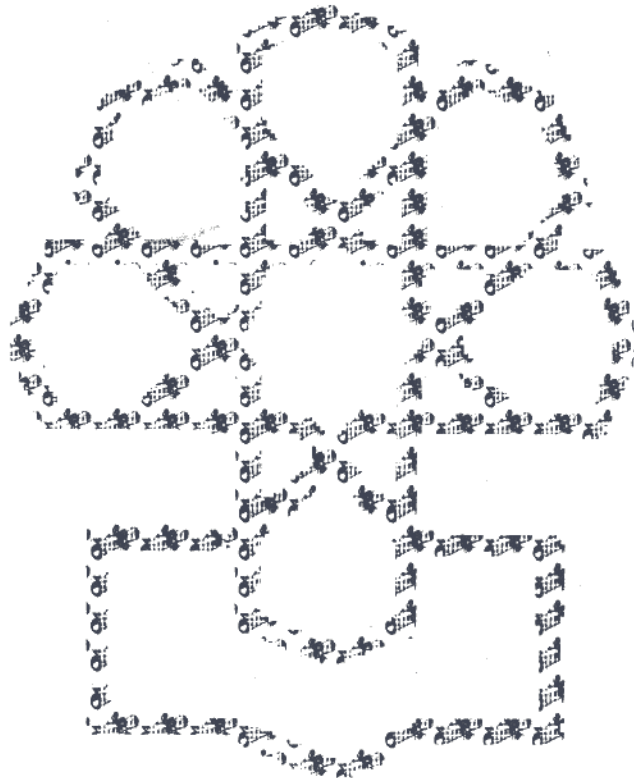




چالشهای امروز اقتصاد ایران



معاونت پژوهشی

فروردین ۱۳۷۵

نوشته: حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دری نجف آبادی نماینده محترم تهران

کد گزارش: ۲۴۰۱۳۰۸

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
 کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی ماری
 شماره: ۳۹۴۶
 تاریخ: ۱۳۷۵ / ۳ / ۲۶

در این مقاله کوشش شده است توضیحاتی در رابطه با مشکلات و تنگناهای اقتصادی کشور و راه‌حلهای آن ارائه شود که امید است زمینه توجه بیشتر نظام و مسئولین محترم و ارائه راه‌حلهای مناسب، اتخاذ تصمیمات و تنظیم سیاستها و الگوهای مطلوب و منطبق با واقعیات و نیازهای کشور و تدوین استراتژی درازمدت و کارآمد فراهم شود.

در این رابطه به چند مسأله حساس از جمله نقدینگی و تعادل بودجه‌ای توجه شده و از ذکر جزئیات، متغیرهای غیر عمده و برون‌زا پرهیز شده است.

۱- وضعیت نقدینگی، آثار و تبعات آن، پیشنهادها و راه‌حلهای

الف - تعریف نقدینگی

عبارت است از حجم پول و شبه پول نسبت به تولید (کالا و خدمات).

ب - افزایش نقدینگی

عبارت است از افزایش حجم پول (مسکوک و غیر مسکوک) و شبه پول (سپرده‌های دیداری و غیر دیداری، کوتاه مدت و درازمدت) نسبت به حجم تولیدات و خدمات جامعه در طول یک دوره زمانی مشخص.

ج - اجزای نقدینگی

عبارت است از پول و شبه پول و سپرده‌های دیداری و غیر دیداری که قدرت خرید بالفعل جامعه را تشکیل می‌دهد.

د - شیوه افزایش

عبارت است از چاپ و نشر اسکناس، بدهی دولت به بانک مرکزی، بدهی بانکها به بانک مرکزی، بدهی شرکتهای دولتی به بانکها و یا بانک مرکزی، بدهی خارجی سیستم بانکی که عمدتاً به صورت کسری بودجه صورت خواهد گرفت. کسری بودجه، بدهیهای دولت به سیستم بانکی و یا بانک مرکزی و نیز شرکتهای، مؤسسات وابسته به دولت و یا بخشهای غیر دولتی است.

تذکر این نکته نیز لازم است که سرعت گردش پول به ویژه در بخشهای غیر تولیدی اثر نقدینگی را

افزایش خواهد داد.

ه - آثار رشد نقدینگی

۱- اگر حجم نقدینگی نسبت به حجم تولیدات کاهش پیدا کند و تولیدات افزایش یابد، تأثیر مثبتی در

اقتصاد خواهد داشت.

۲- اگر حجم نقدینگی افزایش یابد و رابطه معقول و منطقی بین حجم پول و نقدینگی و عرضه کل برقرار شود و به همان نسبت تولیدات و خدمات افزایش یابد باز تأثیر مثبتی در اقتصاد دارد.

۳- اگر حجم نقدینگی و گردش پول از روند نرم، ملایم و قابل قبولی برخوردار باشد، باز قابل قبول است.

۴- اگر حجم نقدینگی در یک دوره زمانی محدود از رشد دو رقمی یا بیشتر برخوردار باشد و بلافاصله در بخشهای تولید تأثیر گذاشته و موجب ایجاد اشتغال، افزایش تولید و بازدهی مناسب گردد حتی در یک فاصله زمانی محدود اما بلافاصله آثار تزریق نقدینگی در بخشهای تولیدی و اشتغال زا و زیربنایی دیده شود و آثار مطلوب آن به جریان و سیکل اقتصادی جامعه برگردد. قابل قبول و چه بسا در مواردی باید آن را توصیه نمود.

۵- اما اگر حجم و روند افزایش نقدینگی در یک دوره زمانی طولانی افزایش یابد و رابطه آن با تولید به طور کامل و منطقی برقرار نشود و فاصله بین نقدینگی و تولید فزاینده باشد و تعادلها را به هم بزند، این وضعیت نمی تواند مطلوب باشد و توصیه نمی شود. چون موجب تورم، برهم خوردن تعادلها و بودجه ای و پولی، مالی، بازرگانی و اقتصادی و تخریب ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه خواهد شد. در اینجا لازم است به رابطه بین حجم نقدینگی و تولید کنونی کشور در طول برنامه اول توجه شود. رشد چند درصد پس انداز و سرمایه گذاری چند درصد و افزایش نقدینگی چند درصد و نتیجه تورم چند درصد بحث دیگری را می طلبد.

۲- پیش بینی روند حجم نقدینگی در برنامه اول

در مقدمه برنامه اول، صفحه ۱-۲ چنین آمده است: اثرات رشد فزاینده کسری بودجه باعث شده که حجم نقدینگی به ۱۵۳۲۸ میلیارد ریال در «پایان» سال ۱۳۶۷ افزایش یابد که با توجه به روند کاهنده تولید، افزایش قیمتها را سبب شده است. در صورت ادامه روند موجود، میزان کسری بودجه در سال ۱۳۷۷ به ۳۶۰۰ میلیارد ریال افزایش خواهد یافت و با توجه به افزایش حجم نقدینگی و کاهش تولید، قیمتها همچنان افزایش یافته و باعث کاهش قدرت خرید اقشار محروم خواهد شد.

نکته قابل توجه آن است که تورم ناشی از نحوه سیاستهای مالی دولت خود باعث کاهش قدرت خرید بودجه دولت شده و به علت عدم رشد بودجه در حد رشد تورم از نتیجه آثار اقتصادی مثبت بودجه دولت در فعالیتهای اقتصادی به تدریج کاسته می گردد...

در صفحه ۱-۵ نیز آمده است: به علت عدم امکان افزایش درآمدها و حجم گسترده وظایف دولت، وجود شکاف بین عرضه و تقاضای پول (عدم تعادل پولی) به علت روند فزاینده حجم نقدینگی تحت تأثیر سیاستهای مالی دولت و همچنین رکود در بخشهای مختلف اقتصادی وجود شکاف بین سرمایه گذاری و پس انداز (عدم تعادل مالی) به علت افزایش پس انداز ملی و به کارگیری آن در فعالیتهای غیر مولد تجاری و خدماتی و نبودن مکانیزمهای تشویق و هدایت منابع عاطل جامعه به سمت تولید و سرمایه گذاری وجود شکاف بین واردات و صادرات (عدم تعادل در موازنه پرداختها) و ... اینها عوامل مهمی هستند که اگر به آنها پرداخته نشود، بحرانهای جدی را برای اقتصاد کشور در پی خواهد داشت.

در صفحه ۲-۷ نیز چنین آمده است: حجم نقدینگی که عمدتاً در اثر افزایش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در پنج سال گذشته سالانه به طور متوسط ۱۵/۳ درصد رشد داشته در طی برنامه پنجساله به طور متوسط سالانه به ۸/۲ درصد کاهش خواهد یافت به طوری که از ۲۳/۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۲ تنزل می‌کند. حجم نقدینگی در طی سالهای برنامه براساس عوامل تعیین کننده عرضه پول در پی خواهد آمد.

همچنین گفتنی است که در طی سالهای برنامه، خالص داراییهای خارجی معادل سال ۱۳۶۷ در سطح ۷۲۴ میلیارد ریال ثابت فرض شده است.

۳- خالص بدهی بخش دولتی

● استقراض دولت از سیستم بانکی در طول سالهای برنامه به عنوان تغییرات خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی منظور گردیده است.

● در مورد استقراض شرکتهای دولتی چنین فرض شده که افزایش سالانه بدهی آنها برابر با افزایش سالانه مجموع سپردههای بخش دولتی نزد سیستم بانکی باشد. با فرض فوق خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی از ۱۱۶۷۵/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۱۷,۴۸۹,۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ افزایش خواهد یافت که نشان دهنده رشد سالانه به طور متوسط معادل ۸/۴ درصد می‌باشد.

با توجه به نتایج محاسبات انجام شده، حجم نقدینگی به عنوان تابعی از تغییرات خالص داراییهای خارجی، خالص بدهی بخش دولتی و بدهی بخش خصوصی به سیستم بانکی محاسبه گردیده است. در نتیجه رشد حجم نقدینگی برای سالهای برنامه به شرح ذیل برآورد می‌شود.

۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	درصد رشد متوسط
۱۰/۸	۱۱/۷	۹/۲	۵/۹	۳/۵	۸/۲

۴- نرم تورم در برنامه اول

با توجه به نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و حجم نقدینگی مورد پیش بینی در برنامه رشد شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی از حدود ۲۸/۵ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۸/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش خواهد یافت. روند مذکور نشان دهنده مهار تدریجی نرخ تورم نسبت به سالهای گذشته است.

در جدول شماره (۸) پیوست شماره (۱) برنامه اول ص ۲-۱۹ آمده است: حجم نقدینگی از ۱۵,۳۲۸,۹ میلیارد ریال در سال ۶۷ به ۲۲۷,۰۶/۹ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۷۲ با نرخ متوسط ۸/۲ رشد خواهد رسید.

جالب این که این عدد با همه کسریهای سالهای ۶۶ و ۶۷ از ۱۲۶۶۸/۲ در سال ۶۶ به ۱۵۳۲۸/۹ در سال ۶۷ افزایش یافته و نرخ رشد آن در سال ۶۶-۱۸۱۱ و در سال ۶۷-۲۱ بوده»

با اینکه شرایط آن سالها و کاهش شدید درآمد ارزی و کسری بودجه و شرایط جنگی کشور کاملاً روشن است.

اگر به قانون برنامه ص ۴۵ نیز مراجعه شود بحث حجم نقدینگی و نرخ تورم و به ص ۵۵ بندهای ۱۱ و ۱۲ و بند ۱ و ۳ از بند ه نیز مراجعه شود.

تا اینجا آنچه گفته شد پیش بینی روند نقدینگی در برنامه اول و کاهش آن و تلاش در جهت حفظ قدرت خرید پول و کارا کردن اقتصاد و کاهش فشار بر سیستم بانکی و کاهش استقراض مستقیم و غیر مستقیم داخلی و خارجی و ایجاد تعادل های ارزی، ریالی، مالی و اقتصادی بود و سیاست های مربوط به کنترل آن را در محور های یاد شده بیان می کرد.

اما آنچه در عمل در این بخش اتفاق افتاده به طور اختصار ذکر می شود.

جدول شماره (۱) - رشد نقدینگی در طول

سالهای دهه ۶۲ ۷۲

رشد نقدینگی	سال	ردیف
۷۵۱۴/۴	۱۳۶۲	۱
۷۹۶۶/۹	۱۳۶۳	۲
۹۰۰۲/۱	۱۳۶۴	۳
۱۰۷۲۲/۷	۱۳۶۵	۴
۱۲۶۶۸/۱	۱۳۶۶	۵
۱۵۶۸۷/۶	۱۳۶۷	۶
۱۸۷۵۳/۳	۱۳۶۸	۷
۲۲۹۶۹/۵	۱۳۶۹	۸
۲۸۶۲۸/۴	۱۳۷۰	۹
۳۵۸۶۶	۱۳۷۱	۱۰
۴۸۱۳۱/۱	۱۳۷۲	۱۱

سال ۱۳۷۳ ۶۰۰۰۰

سال ۱۳۷۴ ۶۶۷۰۰۰ پیش بینی قانون بودجه

۵- روند نقدینگی در برنامه اول (عملکرد و مصوب)

● اما نسبت به اینکه خالص دارایی های خارجی ثابت بماند. عملاً برخلاف آن اتفاق افتاده و با توجه به تغییر نرخ ارز کایه محاسبات دگرگون شده و با توجه به بدهی های خارجی و تراز ارزی منفی بند مربوط به این قسمت اتفاق نیفتاده و تعهدات جدیدی برای کشور به وجود آمده است.

○ استقراض دولت نیز بسیار محدود پیش بینی شده.

○ اما آنچه در مورد شرکتهای دولتی پیش بینی شده که افزایش بدهی های سالانه آنها معادل مجموع سپرده های بخش دولتی نزد سیستم بانکی باشد باز فرضی است که در خارج اتفاق نیفتاده همواره بیشتر از

مجموع سپرده‌ها بدهی این بخش بوده.

توضیح بیشتر را در این رابطه به عهده گزارش شهر یور ماه ۱۳۷۱ سازمان برنامه و بودجه در رابطه با عملکرد برنامه اول می‌سپاریم.

در صفحه ۸ ذیل بند ۴ اصلاحات مالی و پولی آمده که در برنامه پنجساله اول دولت تشویق به اعمال سیاستهای پولی انقباضی شده بندهای ۱ و ۲ و ۳ سیاستهای کلان ناظر بر این سیاستها هستند. کاهش هزینه‌ها از طریق جلب مشارکت مردم و افزایش درآمدهای مالیاتی برای تأمین مخارج دولت و کاهش کسر بودجه به طور مشخص در بندهای مذکور آمده است.

۱-۵- بند ۴ اصلاح مالی و پولی

در زمینه سیاستهای پولی، برنامه در بندهای ۱ و ۷ کنترل حجم نقدینگی و پیشبرد سیاستهای اعتباری مناسب با این اهداف که به سلامت پولی کشور صدمه نخورد را سرلوحه سیاستهای پولی قرار داده است. طی سه سال گذشته مخارج دولت بسیار بیشتر از آنچه در برنامه پیش‌بینی شده بود انجام گرفت ... در بخش پولی نیز توسعه شدید اعتبارات باعث افزایش فوق‌العاده حجم نقدینگی شد ... «تصویر کامل این قسمت به پیوست تقدیم می‌گردد».

در زمینه سیاستهای پولی، برنامه در بندهای ۱ و ۷، کنترل حجم نقدینگی و پیشبرد سیاستهای اعتباری مناسب با این اهداف که به سلامت پولی کشور صدمه نخورد را سرلوحه سیاستهای پولی قرار داده است.

طی سه سال گذشته مخارج دولت بسیار بیشتر از آنچه در برنامه پیش‌بینی شده بود انجام گرفت با این حال میزان کسر بودجه در حدی پیش‌بینی شده در برنامه قرار داشت. در بخش پولی نیز توسعه شدید اعتبارات باعث افزایش فوق‌العاده حجم نقدینگی شد به نحوی که حجم نقدینگی در پایان سال ۱۳۷۰ بسیار فراتر از رقم پیش‌بینی شده در سال پایانی برنامه واقع شد. یکی از عواملی که لزوم رشد اعتبارات را در این سالها باعث گشت وقوع حوادث غیر مترقبه مانند سیل و زلزله بود. عامل دیگری که باعث افزایش تقاضا برای اعتبارات شد اصلاح قیمتها از جمله افزایش قیمت ارز تحویلی به پاره‌ای از صنایع و فعالیتهای اقتصادی بود. این صنایع برای رفع نیازهای خود در قیمتهای آزاد و رقابتی ارز به جای قیمتهای دولتی و ترجیحی، تقاضای خود برای اعتبارات را افزایش دادند. بدین ترتیب سیاست انبساطی پولی عملاً آثار اصلاحی ناشی از اصلاح قیمت ارز را تا حدودی خنثی می‌نماید. چون در حقیقت قیمت اعتبارات بانکی کمتر از قیمت تعادلی آن است با اصلاح بازار ارز و کاهش عدم تعادل در این بازار فشار تقاضا به بازار اعتبارات منتقل شده، عدم تعادل بیشتری را به آن تحمیل می‌کند و نهایتاً حجم نقدینگی برخلاف زمان گذشته که از طریق افزایش بدهی دولت به سیستم بانکی گسترش می‌یافت این بار از طریق افزایش بدهی بخش خصوصی و مؤسسات و شرکتهای دولتی به سیستم بانکی افزایش یافت.

یک نکته قابل ملاحظه و درخور توجه در سیاستهای پولی، مالی کشور روحیات حاکم بر دستگاههای اجرایی است. در طی سالهای طولانی دستگاههای اجرایی منابع ریالی و ارزی دولتی را به عنوان منابع سوخت شدنی تلقی نموده و علی‌رغم تصریح قانون برنامه که اعتبارات عمرانی را به عنوان وام تلقی می‌کند، دستگاهها هزینه اعتبارات مصرفی خود را صفر به حساب می‌آورند. به همین لحاظ کمتر توجه

می شود که کاری که انجام می شود با چه هزینه ای انجام شده و آیا نتیجه آن با هزینه انجام شده هماهنگی دارد و یا نه. در دستگاههای اجرایی شیفتگی اساسی برای نتایج قابل ملموس مانند شروع ایجاد یک کارخانه با تأسیسات مشابه است. اما اینکه این شروعها کی به نتیجه می رسد و در مقابل نتیجه حاصله چه هزینه ای انجام می شود و در درجه دوم یا حتی آخر اهمیت قرار داشته است. این سابقه ذهنی در دستگاههای اجرایی همراه با شوق و ذوق جبران عقب ماندگیهای گذشته جبران و خسارات ناشی از جنگ تحمیلی باعث شروع فعالیت های عمرانی و شروع طرح های جدید توسط تمام دستگاهها و افزایش هزینه های عمرانی مربوط در سالهای پس از پایان جنگ تحمیلی شد. این تلاش همه جانبه و عمومی شرایط مالی کشور را مصداق «تناقض ترکیب» کرده است. یعنی آنچه در مورد اجزاء یک کل صحیح است به همان دلیل ممکن است برای کل صحیح نباشد. اگر یک دستگاه به تنهایی زیاده تر هزینه کند کار بیشتری انجام می دهد. اگر تمام دستگاهها همزمان زیاده تر هزینه کنند از طریق مسابقه برای خرید و جذب منابع کار یکدیگر را با اشکال رو به رو کرده و به تورم قیمت ها دامن می زنند.

این واقعیت که قرار بود کشور سیاستهای تعدیل را اجرا نماید ضرورت اتخاذ سیاستهای مالی و پولی انقباضی را برای چند سال اجتناب ناپذیر می کرد. لکن عملکرد دستگاههای دولتی در این زمینه افزایش قابل ملاحظه هزینه های ریالی و به تبع استقراض مؤسسات وابسته به دولت از بانک مرکزی و بانکهای تجاری افزایش قابل ملاحظه نقدینگی را به همراه داشته و به تورم قیمت ها دامن زد. لازم به تذکر است که این تلاش همه گیر برای افزایش هزینه کردن در واقع خود ناقض هدف اصلی بوده و عامل کند کننده ای در امر سرمایه گذاری دولتی و اتمام طرحها و به نتیجه رسیدن آنها نیز بوده است. پیداست که صحبت از سیاستهای انقباضی و کنترل حجم نقدینگی و هدایت آن در برنامه و کاهش روند آن تا ۳/۵ درصد در پایان برنامه است.

اما در عمل چیز دیگری اتفاق افتاده و رشد نقدینگی سالانه ۲۵/۱ درصد به طور متوسط بوده و در سال ۱۷۲ این رقم به ۳۴/۱ درصد افزایش یافته یعنی حدود ده برابر مبلغ پیش بینی شده. در حالی که وضعیت تولید به این نسبت رشد نداشته. سازمان برنامه در گزارش دیگری که عملکرد برنامه پنجساله را توضیح داده چنین نوشته:

۲-۵- نقدینگی و سطح قیمت ها

طی دوره برنامه اول علی رغم کاهش کسر بودجه و کاهش استقراض دولت از سیستم بانکی، تحت تأثیر افزایش شدید اعتبارات اعطایی به شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و نیز اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی ناشی از اتخاذ سیاستهای شدید انبساطی، حجم نقدینگی بخش خصوصی در پایان سال ۱۳۷۱ به ۳۵۸۶۶ میلیارد ریال بالغ گشت این رقم نسبت به سال ۱۳۶۷ به طور متوسط سالانه ۲۳ درصد افزایش داشته است. میزان نقدینگی در سال ۱۳۷۲ به ۴۸۱۳۵/۱ میلیارد ریال رسیده که نسبت به سال قبل، از افزایشی معادل ۳۴/۱ درصد برخوردار بوده که در مقایسه با رشد پیش بینی شده در برنامه (۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۲) مبین وضعیت نامطلوبی می باشد. به طور کلی طی دوره برنامه نقدینگی به طور متوسط سالانه ۲۵/۱ درصد رشد داشته که از رشد پیش بینی شده در برنامه بسیار فراتر بوده است.

تحت تأثیر افزایش شدید نقدینگی در سالهای برنامه، سطح قیمت ها (شاخص قیمت خرده فروشی) به

طور متوسط سالانه ۱۸/۸ درصد افزایش داشته که از رشد پیش‌بینی شده در برنامه (۱۴/۴ درصد) بیشتر بوده است.

قابل ذکر است که بر عکس سنوات گذشته که افزایش نقدینگی عمدتاً ناشی از کسر بودجه یعنی ناشی از افزایش خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی بوده. طی سالهای ۷۲-۱۳۶۸ افزایش نقدینگی عمدتاً تحت تأثیر افزایش بدهی بخش خصوصی تحقق یافته است. از ۳۲۴۴۷/۵ میلیارد ریال افزایش در نقدینگی طی سالهای ۷۲-۱۳۶۸، ۲۳۱۷۱/۱ میلیارد ریال آن مربوط به بدهی بخش خصوصی و ۱۴۳۰۶/۶ میلیارد ریال آن افزایش در خالص بدهی بخش دولتی بوده که به این ترتیب ملاحظه می‌گردد قریب ۷۱/۴ درصد از افزایش حاصله در نقدینگی طی دوره مزبور، ناشی از افزایش بدهی بخش خصوصی بوده است.

بررسی اجزای تشکیل دهنده نقدینگی در طول برنامه نشان می‌دهد که پول و شبه پول به طور متوسط سالانه به ترتیب ۲۳/۶ و ۲۶/۵ درصد رشد داشته است. از سال ۱۳۶۲ با اجرای قانون جدید پولی و بانکی و افزایش اعتماد عموم به سیستم بانکی کشور سهم پول در نقدینگی روندی نزولی داشته و برعکس به سهم شبه پول افزوده شده است. این روند طی برنامه اول تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله افزایش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد تنوع در انواع سپرده‌ها تداوم یافته است. در سال ۱۳۶۳ سهم پول و شبه پول در نقدینگی به ترتیب برابر ۵۷/۲ درصد و ۴۲/۸ درصد بوده است. این نسبتها در سال ۱۳۷۲ به ترتیب به ۴۶/۶ درصد و ۵۳/۴ درصد رسیده است.^(۱)

مسئله تلخ در این رابطه حساب ذخیره تعهدات و پولی است که از این ناحیه تزیق شده و تأثیری است که بر نرخ تورم و نقدینگی و پایه پولی داشته. در این قسمت ص ۳ گزارش سازمان برنامه در فروردین ۱۳۷۴ ملاحظه شود.

نقدینگی از ۶/۴ هزار میلیارد ریال سال ۶۱ به ۶۰ هزار میلیارد ریال سال ۷۳ افزایش یافته در این دوره به طور متوسط ۲۰ درصد رشد افزایش یافته و حجم آن تقریباً ده برابر شده بدون اینکه حداقل به دو برابر نرخ ثابت شده باشد.

طی سالهای ۷۲ و ۷۳ معادل ۲۴/۲ هزار میلیارد ریال به نقدینگی کشور اضافه شده که از سالهای قبل به مراتب زیادتر است. رشد سریع نقدینگی در دو سال اخیر معلول سررسید تعهدات ارزی کوتاه مدت، تغییر نرخ ارز و عدم دریافت مابه التفاوت نرخ ارز از کسانی که اعتبارات اسنادی گشایش کرده بودند اتفاق افتاد. به جای تأمین از دریافت کنندگان ارز مابه التفاوت به حساب بدهی دولت گذاشته شد. تاکنون بیش از ۱۱ هزار میلیارد ریال از این محل به پایه پولی اضافه شده و در صورت تداوم این سیاست ممکن است حدود ۳۰ هزار میلیارد ریال دیگر نیز از همین محل به پایه پولی وارد شود ...

چنانچه حجم نقدینگی با توجه به نرخ رشد تولید ناخالص ملی افزایش می‌یافت. تعادل بین عرضه کل و تقاضای کل برقرار می‌شد. اما چنانچه رشد تولید با رشد حجم نقدینگی توازن نداشته باشد و گردش کالا و خدمات در جامعه از رشد لازم و متعادل با رشد نقدینگی برخوردار نباشد. بدیهی است که رابطه بین نقدینگی و مقدار تولید در قیمتها منعکس خواهد شد و اثرات تورمی در پی خواهد داشت. مثلاً رشد نقدینگی ۲۵ درصد و افزایش تولید ۵ درصد.

۱- عملکرد برنامه اول اسفند ماه ۱۳۷۲ ص ۱۰-۱۱ و ۱۱-۱۱ ج ۱۱

۶- علل و ریشه‌های تورم و افزایش نقدینگی

رشد نقدینگی به ویژه در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ از روند فزاینده‌ای برخوردار بوده و در این دو سال از ۳۶,۰۰۰ م^۹ ریال به ۴۸,۰۰۰ م^۹ و ۶۶,۰۰۰ م^۹ ریال افزایش یافته است. از ۳۶,۰۰۰ میلیارد ریال سال ۷۱ به ترتیب ۴۸,۰۰۰ میلیارد ریال ۶۰,۰۰۰ میلیارد ریال در سالهای ۷۲ و ۷۳ افزایش یافته که به ترتیب از رشدی ۳۴/۱ درصد و ۲۴ درصد برخوردار بوده. در گزارش فروردین ۱۳۷۴ سازمان برنامه ص ۵ به آثار مخرب نقدینگی و رابطه آن با تورم و افزایش قیمت‌ها اشاره شده.

افزایش نقدینگی نیز به افزایش قیمت‌ها یعنی تورم منجر شده است و بعد آن راه به صورت نمودار نشان داده‌اند. ص (۳۱ و ۳۲) (نمودارها).

پذیرش این واقعیت که اصولاً رشد نقدینگی تورم زاست واقعیت صعب و تلخی است که طی دهها سال به طور مرتب در مبارزه با گرانی اعماض شده است. می‌توان گفت مادام که افزایش نقدینگی ادامه دارد تورم ادامه خواهد داشت.

اینکه بانک مرکزی و ادار به ایجاد پول جدید برای تأمین انواع درخواستها شود کاری بسیار ساده است لکن هزینه این امر ایجاد تورمی است که از طریق آن ثروتمندان ثروتمندتر و فقیران فقیرتر، تولید کم صرفه احتکار و دلالی پر منفعت شده و قوام و دوام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور با خطر رو به رو می‌شود.»

آری عدم تعادل بین رشد نقدینگی و رشد تولید ناخالص ملی یکی از اساسی‌ترین عوامل تورم و گرانی است. در ص ۱۶ گزارش یاد شده و ارائه راه حل جهت مشکلات آمده.

۷- اهتمام تمام ارگان نظام سیاسی کشور به کنترل نقدینگی

در پیام نوروزی مقام معظم رهبری به لزوم توجه به رعایت انضباط اقتصادی و مالی تأکید شد. مسأله لزوم تحکیم انضباط مالی و پولی توسط سازمان برنامه و بودجه همواره مطرح شده است. در طی سال گذشته قوای مقننه و قضاییه نیز تحت لوای مشابهی اقداماتی را آغاز کرده‌اند. نتیجه این اقدامات قوای مقننه و قضاییه اگر به عنوان یک برنامه جامع و به دور از دیدگاههای سیاسی پیگیری نشود. می‌تواند مشکلاتی به همراه داشته باشد. طبعاً مسأله انضباط پولی و مالی رانبایستی صرفاً در مورد قوه مجریه مورد توجه قرار داده و سایر قوا را به عنوان مدعی این وجه از حکومت که دست اندرکار امور اساسی کشور است مطرح نمود. علاوه بر آن نیل به این هدف فقط با همکاری و همدلی تمام مسئولین و مدیران سطوح مختلف عملی است. برخورد با این مسأله به عنوان روش تنبیه و مواخذه اثرات ناچیزی به همراه خواهد داشت.

تمام ارگان حکومت از جمله مدیران سیاسی قوه مجریه مانند وزرای محترم باید طی یک نهضت فراگیر و وظیفه اخلاق و سیاسی امر صرفه جویی، کاهش هزینه‌ها، حذف تشکیلات زائد، انحلال شرکتهای سرطانی و زیان آور و غیر ضرور را با جدیت پیگیری نموده و نتیجه فعالیت‌های خود را برای ارزیابی به مراجع

ذی ربط گزارش نمایند. متأسفانه اکثر وزاراتخانه‌ها فعالیتهای شرکت داری را نیز به عهده دارند. به تدریج زمره شرکت داری در دانشگاههای کشور نیز شنیده می‌شود. همگام با وزاراتخانه‌ها، بانکها نیز باید به جز فعالیت اعتباری از انجام هر نوع فعالیت اقتصادی مانند ساختمان سازی، خرید و فروش ساختمان و احداث کارخانه و هتل و امور تجاری و مانند آن خودداری کرده و سایر فعالیتهای نامربوط و ضایعه آمیز خود را متوقف سازند. همین امر در مورد سازمانها و صندوقهای بازنشستگی و سایر نهادهای مالی صادق است. این دستگاهها نیز ضروری است صرف منابع عمومی را در پروژه، طرحها، صنایع و شرکتهایی که نتایج معلومی به بار نخواهد آورد و هم اکنون نیز آنها را در شرایط مالی نامناسب قرار داده است متوقف کنند. علاوه بر این نمایندگان محترم قوه مقننه نیز ضروری است پیش قدم شده و بعضی از پروژه‌هایی که بدون توجیه اقتصادی در مناطق آنها در دست اجرا بوده و معمولاً با حمایت و پیگیری خود آنها شروع شده است را متوقف کرده و از صرف منابع کشور در زمینه‌هایی که بازگشت مناسب ندارد. با همکاری دستگاههای اجرایی ذی ربط ممانعت به عمل آورند. برای نیل به کنترل نقدینگی گام دیگری نیز ضروری است. تکلیف منابع لازم برای شرکتهای دولتی مانند شرکت نفت، گاز، برق و مانند آن که برای سرمایه گذاری و سایر هزینه‌های خود نیازمند منابع مالی هستند تعیین شود. این دستگاهها حتی در صورت اجرای مراحل صرفه جویی، هنوز قادر به تأمین منابع لازم برای نگهداری و توسعه نیستند. در گذشته منابع مالی لازم از طریق اعتبارات بانک مرکزی تأمین می‌شد که خود عامل عمده رشد نقدینگی بوده است. در صورتی که کنترل تورم یک هدف جدی است بایستی تکلیف تأمین منابع مالی برای این دستگاهها از طریق درآمدهایی که از درون نظام اقتصادی جمع آوری می‌شود تعیین گردد.

نتیجه عوامل فراوانی در این رابطه نقش داشته که از آن جمله باید به کاهش درآمدهای ارزی، کاهش قدرت خرید دلار، افزایش خدمات توسط دولت، بالا بودن نرخ خدمات ارائه شده، عدم امکان دریافت هزینه خدمات ارائه شده توسط دولت و شرکتهای خدماتی مانند نفت و نیرو، رشد مصرف داخلی بیشتر از پیش‌بینی برنامه، کمبود منابع سرمایه گذاری، پایین بودن نرخ سرمایه گذاری، رشد چشمگیر جمعیت، عدم هدایت سرمایه‌ها و منابع ارزی و ریالی به سوی تولید و امور زیربنایی، سرازیر شدن منابع ارزی کشور به جیب دلالتها و واسطه‌ها و دیگران، عدم تحقق نرخ مالیات پیش‌بینی شده به تولید ناخالص ملی در برنامه، افزایش هزینه‌های عمومی، عدم روحیه صرفه جویی و ساده زیستی بلکه تبلیغ برای رفاه و هزینه کردن بعد از جنگ، شروع همزمان طرحها یا بدون توجیه لازم و یا با عدم امکانات لازم و عدم ترتیب در شروع کارها، واردات بی رویه و عدم تحقق مصوبه برنامه در رابطه با صنعت و نسبت صنایع مادر و واسطه‌ای و مصرفی طبق پیش‌بینی قانون برنامه ص ۳۹ که رشد صنایع سرمایه‌ای را معادل ۲۴ درصد صنایع واسطه‌ای را معادل ۲۰ و رشد صنایع مصرفی را معادل ۴/۲ درصد دیده بود تا سهم ارزش افزوده صنایع سرمایه‌ای از ۵/۶ به ۸/۵ درصد و واسطه‌ای از ۴۹/۴ به ۶۳ درصد و مصرفی از ۴۵ به ۲۸/۵ کاهش برسد و اولویت به ترتیب به صنایع سرمایه‌ای و واسطه‌ای و مصرفی داده شود تا امکان جایگزینی کالاهای وارداتی و زنجیره‌ای کردن خطوط تولید و تقویت بنیه‌های تولید داخلی و استفاده از مواد و امکانات داخلی فراهم گردد. و وابستگی کاهش یابد و دهها عامل و متغیر دیگر در این رابطه مؤثر بوده است.

به هر کیفیت این قسمت خود نیاز به یک تحقیق و بررسی جامع دارد.

البته از بحث شناور شدن نرخ ارز و تغییرات مربوط در طول برنامه و در دو سال پایانی آن نباید غافل

شد که این موضوع خود نیاز به بحث جداگانه دارد و روند افزایش نقدینگی نیز به خوبی نشان دهنده این معناست. به گونه‌ای که در برنامه حجم نقدینگی پیش‌بینی شده تا پایان سال ۱۳۷۲ مبلغ ۲۲,۰۰۰ میلیارد ریال و در عمل ۴۸,۰۰۰ میلیارد ریال اتفاق افتاده و این به اضافه تعهدات ارزی و حساب ذخیره تعهداتی است که خود بعداً یک مسأله تلخ و اسف انگیزی شده. و همین طور خالص داراییهای سیستم بانکی در خارج کشور که در اواخر دوره از رشد منفی شدیدی برخوردار بوده.

کسری بودجه در طول دوره یاد شده از بخش دولتی و به صورت مستقیم به بخش شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و نیمه دولتی و غیر دولتی منتقل شده و از رشد بالایی برخوردار بوده، اکنون برای توضیح دو راه حل عمده ذکر می‌شود:

* کنترل، هدایت و مدیریت نقدینگی.

* تعادل در بودجه.

۱-۷- کنترل، هدایت و مدیریت نقدینگی

۱- کنترل نقدینگی با جلوگیری از چاپ اسکناس، کاهش هزینه‌ها، هدایت تسهیلات و اعتبارات، تعادل بودجه و درآمدها و هزینه‌ها، منطقی کردن بودجه شرکتهای دولتی و وابسته به دولت، اجتناب از کسری بودجه آشکار و پنهان.

۲- جمع آوری نقدینگی با جذب بیشتر منابع مردمی و تقویت سپرده گذاری، تقویت بورس، خصوصی سازی به معنی صحیح کلمه، اصلاح نظام و مکانیسم مالیاتی کشور، سامان دهی شرکتهای دولتی، شهرداریها و سازمانها و ارگانهای ذی ربط دیگر، انتشار اوراق قرضه و مشارکتهای عمومی، افزایش عوامل مشوق سپرده گذاری و پس انداز.

۳- کاهش حجم بدهیهای خارجی و تنظیم آن و ...

و از جمله مدیریت صحیح بر نقدینگی و هدایت آن در امور زیربنایی و سرمایه گذاری و تولید. از طرف دیگر، افزایش تولید با اصلاح ساختار تولیدی، خصوصی سازی، اولویت بندی در سرمایه گذاریها و برنامه زمانبندی برای طرحها و پروژهها و افزایش کارایی و راندمان و رفع انحصارات و افزایش رقابت در تولید و افزایش صادرات و ارائه سود مناسب در بخشهای تولید و ...

در هر صورت مسأله اصلی تعادلی بین عرضه کل و تقاضای کل است و هر چه رابطه نقدینگی و تولید متناسب تر، متوازن تر و متعادل تر باشد به همان نسبت تعادل پولی و مالی و اقتصادی ایجاد خواهد شد و الا توازن و تعادل به هم خواهد خورد و آثار جبران ناپذیری به بار خواهد آورد.^(۱)

۱- با توجه به اینکه رشد نقدینگی و حجم شتابنده آن در سالهای اخیر به ویژه سالهای ۷۲ و ۷۳ تأثیرات منفی فراوانی در جریان اقتصادی، اجتماعی کشور و روند قیمتها و تورم داشته و موجب بر هم زدن تعادلهای اجتماعی و فرهنگ عمومی اقتصادی و پولی شده و رفتارهای اجتماعی و عمومی را تحت تأثیر شدید قرار داده به گونه‌ای که حجم آن از ۳۶,۰۰۰ میلیارد ریال در پایان سال ۷۱ به ۶۰,۰۰۰ میلیارد ریال در پایان سال ۷۲ افزایش یافته و به تناسب آن تولید ملی افزایش نیافته، لازم است تدابیر لازم جهت کنترل و هدایت آن اندیشیده شود و جلوی آثار مخرب و نوسان شدید قیمتی گرفته شود. بدین منظور نکات ذیل یادآور می‌شود.

الف - کنترل رشد نقدینگی و جلوگیری از افزایش بی رویه آن.

ب - مدیریت و هدایت صحیح نقدینگی و جذب و جمع آوری آن جهت تأمین نیازهای سرمایه گذاری کشور.

ج - نظارت جدی بر کلیه اعتبارات و تسهیلات اعطایی سیستم بانکی و اجرای دقیق و صحیح قوانین و مقررات پولی و بانکی و برنامه‌ای و بودجه‌ای کشور.

د - کنترل کلیه مصوبات و دستورالعملهایی که بار مالی بر هزینه‌های دولت را بی رویه افزایش می‌دهد و اعطای تسهیلات در حد سپرده‌ها و ذخایر اضافی.

۷-۲- تعادل در بودجه

عدم هماهنگی و سازگاری بین فعالیتهای و هزینه‌های دولت و شرکتهای وابسته با درآمدهای حاصله و در نتیجه بدهی دولت و شرکتهای دولتی و وابسته و ... به سیستم بانکی به گونه‌ای که در آغاز برنامه حجم کل بدهیهای این بخش به شبکه بانکی معادل ... میلیارد ریال بوده و در پایان سال ۱۳۷۲ این مبلغ به ۳۲/۱۶۸ میلیارد ریال افزایش یافته است.^(۱)

بدیهی است که برای تأمین مبالغ یاد شده راهی جز خلق و نشر اسکناس و تغییر پایه پولی نمی‌ماند که آن هم طبیعتاً عامل تورم است و این خود از بزرگترین عوامل افزایش نقدینگی در جامعه است.

۸- ضرورت تعادل در بودجه کل کشور

۸-۱- برای ایجاد تعادل در بودجه دولت دو راه بیشتر متصور نیست:

الف - افزایش درآمدها

ب - کاهش هزینه‌ها

ه - جلب اعتماد عمومی نسبت به سیستم بانکی جهت افزایش پس اندازها و نیز جلب اعتماد بیکانکان در زمینه سیستم بانکی و بازپرداخت تعهدات و به روز بودن حسابها.

و - تنظیم سیاستهای ارزی کارساز و کارآمد و جلوگیری از رشد بی رویه قیمت ارز.

ز - کاهش نرخ هزینه‌های پول و حذف هزینه‌های اداری غیر ضرور.

ح - حمایت از سرمایه گذارهای تولیدی، توجیه‌دار و مؤثر در اقتصاد ملی و با ارزش افزوده بالا و تسریع در بهره‌برداری از طرحهای نیمه تمام و تخصیص منابع به سرمایه گذارهای زود بازده و مولد و ... و کاهش تسهیلات در بخشهای غیر مولد.

ط - کاهش بدهیهای خارجی و تنظیم رابطه صحیح و منطقی بین تراز ارزی، تراز بازرگانی و صادرات غیر نفتی و استفاده از اهرم تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی.

ی - بررسی نسبت به ایجاد مؤسسات پولی، تسهیلاتی و بورسهای غیر دولتی و یا با مشارکت دولت جهت ایجاد رقابت سالم و سازنده.

ک - ایجاد رقابت سالم و سازنده بین بانکهای موجود کشور و ایجاد بانکهای استانی و رقابت در زمینه انواع فعالیتهای و اینکه نظام پرداختی بر مبنای کار و کارایی باشد و نیز بر مبنای استفاده از اختیارات و اصلاح روشها جهت جذب بیشتر نقدینگی، کاهش هزینه‌های پول، افزایش کارایی و ...

ل - اصلاح نظام مالیاتی و کارآمد کردن آن جهت دریافت مالیات حقه دولت به ویژه در زمینه‌های غیر تولیدی و پولهای بادآورده و کنترل کلیه درآمدهای اشخاص و دریافت مالیات بر اساس شناسنامه مالی و درآمدی و هزینه‌های اشخاص و یک جا بدین کلیه درآمدهای حاصله از مردم تحت عنوانین گوناگون.

م - خصوصی سازی و واگذاری شرکتهای دولتی و نیمه دولتی به بخشهای غیر دولتی و یا به صورت مشارکت $\frac{49}{51}$ درصد با مدیریت دولت جهت جذب نقدینگی و کارکردن نظام اقتصادی و اجرای صحیح قانون مربوطه.

ن - ثبات در سیاستها و جلوگیری از نوسانهای شدید و یا حرکتهای زیکزاک و ...

س - استفاده از اوراق مشارکت، قرضه ملی، بازارهای بورس با شیوه‌های مناسب، کارآمد و قابل قبول.

ق - کنترل هزینه‌های جاری دولت و شرکتهای وابسته به دولت و ایجاد تعادل لازم در بودجه کل کشور.

ل - گسترش فرهنگ کار و تولید و حاکمیت نظام و انضباط مالی و پولی در کلیه دستگاهها و ارگانها و نظام اقتصادی کشور.

ص - حداکثر بهره‌وری از امکانات موجود کشور و منابع و ظرفیتهای و تأکید بر استفاده از پتانسیلهای داخلی به جای واردات و یا خریدهای ترن - کی و ...

ع - کنترل کلیه قراردادهای و قیمت تمام شده و نظارت و کنترل بر این بخش و اجرای مکانیزمهای لازم برای متعادل کردن قیمت کالاها و خدمات و زمان بندی مناسب و جلوگیری از تعدیلهای سنگین و یا تأخیر زمانی غیر متعارف.

ف - کنترل واردات و تأکید بر صادرات غیر نفتی و با ارزش افزوده.

ض - مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

ت - حمایت از اشتغال سالم و مولد و سرمایه گذاری تولیدی و تشویق و تقویت عواملی که به قدرت تولید ملی منتهی می‌شود و افزایش رقابت و رفع انحصارات و اولویت بندی در طرحهای عمرانی و شروع بر اساس تبصره ۵ قانون برنامه دوم و ...

و از جمله استفاده از نقدینگی به صورت یک عامل سازنده و مؤثر نه مزاحم و تقویت کننده اقتصاد ملی نه سوداگری و دلالی و پرورش روحیه کار و تولید نه فرهنگ انکلی و تنبلی جهت کارایی هر چه بیشتر عوامل اقتصادی و سازندگی.

۱- بدهی دولت به بانک مرکزی ۲۳۶۵۳/۷ میلیارد ریال و بدهی شرکتهای دولتی و مؤسسات وابسته به بانک مرکزی ۹۳۸۹۴ میلیارد ریال و بدهی دولت به بانکها ۱۲۳۸/۵ میلیارد ریال و بدهی شرکتهای دولتی و مؤسسات دولتی به بانکها ۲۳۸۱/۹ میلیارد ریال جمع ارقام مذکور معادل عدد فوق خواهد شد.

در بخش «الف» باید نسبت به نظام مالیاتی کشور و خصوصی سازی و مشارکت بیشتر مردم و فعال کردن بنگاهها و واحدهای اقتصادی و افزایش صادرات و افزایش تولید ملی و ... همت گماشت. اما در بخش «ب» در دو زمینه باید بحث شود:

- الف - اصلاح بودجه جاری دستگاهها و هزینه‌های مربوطه و نهادها و ارگانها.
- ب - اصلاح و تعدیل بودجه عمرانی و منطقی کردن آن و هدایت صحیح منابع و امکانات.
 - ۱ - پروژه‌هایی که توجیه فنی، اقتصادی - اجتماعی داشته باشند.
 - ۲ - بلند پروازی در آنها نباشد.
 - ۳ - در زمان مقرر اجرا شوند.
 - ۴ - در افزایش تولید ناخالص ملی تأثیر داشته باشند.
 - ۵ - قیمت تمام شده آنها معقول باشد و با حداقل تمام شود.
 - ۶ - هزینه‌های بالاسری آنها به حداقل برسد.
 - ۷ - از امکانات داخلی جهت ساخت حداکثر استفاده بشود و ساخت داخلی و آرنندی و تحقیقات بها داده شود.
 - ۸ - ارزیابی آنها در حداقل باشد.
 - ۹ - قرارداد هیچ پروژه‌ای به صورت کلید در دست و ترن کی با اجانب بسته نشود.
 - ۱۰ - طرحهای نیمه تمام با اصلاح و طبق ضوابط در اسرع وقت به نتیجه و بهره‌برداری برسد و تسریع در بهره‌برداری طرحها و پروژهها.
 - ۱۱ - بخش ساختمان به ویژه ساختمانهای اداری و خدماتی کاملاً کنترل شده و طبق استاندارد قابل قبول اجرا شود و با توجه به امکانات و شرایط کشور.
 - ۱۲ - فرهنگ هزینه کردن و مصرف کردن حاکم نباشد بلکه فرهنگ صرفه جویی به ویژه صرفه جویی ارزی حاکم باشد.
 - ۱۳ - اولویت بندی در پروژهها باشد.
 - ۱۴ - از انجام امور موازی اجتناب شود.
 - ۱۵ - قبل از تأمین امکانات و ضرورتها اقدام نشود.
 - ۱۶ - حجم پروژههای در دست اجرای دولت با توجه به منابع و امکانات ارزیابی شود.
 - ۱۷ - قراردادهایی با پیمانکاران داخلی و یا سازندگان و دلان خارجی بر اساس قیمتهای صحیح و قابل رقابت و منطقی منعقد گردد.
 - ۱۸ - در پروژهها جهت سرعت بهره‌برداری کارها فزیندی شود و با تکمیل هر فاز امکان استفاده میسر باشد.

۲-۸- کاهش هزینه‌های جاری از طریق:

- ۱- کوچک کردن حجم دولت و شرکتهای دولتی و وابسته و منطقی کردن هزینه‌ها و خدمات.
- ۲- اصلاح ساختار اداری و حذف تشکیلات موازی و غیر ضروری.
- ۳- واگذاری بخشی از کارها به مردم، شکستن انحصارات، ایجاد رقابت سالم.

- ۴- اصلاح و بازنگری مستمر سیستم اداری و اجرایی کشور.
- ۵- حاکمیت نظم و انضباط مالی در کلیه دستگاهها و واحدها.
- ۶- اجرای نظام پرداختی متعادل و هماهنگی در نظامهای پرداختی کشور.
- ۷- کارا کردن نظام اداری و بهره‌وری مطلوب از کلیه نیروها و امکانات.
- ۸- توجه به مدیریتی کارآمد و ایجاد نظام مدیریتی سالم و سازنده و کارا.
- ۹- توجه به نظام فنی و اجرایی.
- ۱۰- اصلاح نظام بازنشستگی کشور با توجه به امکانات و شرایط و آینده‌نگری لازم.
- ۱۱- نظارت و حاکمیت ضابطه بر کلیه مؤسسات و نهادها و ارگانها و شرکتها و غولهای اقتصادی و خدماتی کشور و شرکتهای اقماری.
- ۱۲- اصلاح نظام تصمیم‌گیری و کارآمد کردن آن.
- ۱۳- ساده کردن سیستمها.
- ۱۴- منطقی کردن بودجه شرکتهای دولتی و شهرداریها و ... و نحوه رسیدگی به آن و نظارت بر آنها و منطقی کردن قیمت‌های تمام شده و ...
- ۱۵- تمرکز زدایی و تقویت اختیارات مناطق و استانها.
- ۱۶- گسترش فرهنگ صرفه‌جویی و ساده‌زیستی.
- ۱۷- مطالعه همه جانبه و مستمر نسبت به سیستم اداری و اصلاح پیوسته آن.

۹- توصیه‌ها و پیشنهادات

- ۱- ثبات و امنیت در سیاستها و سرمایه‌گذاری و حمایت جدی از تولیدات و صادرات و ...
- ۲- تلاش در جهت تخصیص بهینه منابع ارزی و ریالی کشور و اولویت بندی در هزینه‌ها و مدیریت مطلوب هزینه‌ها و زمانبندی لازم برای اجرا.
- ۳- تکمیل طرحهای نیمه تمام و تعیین تکلیف بسیاری از طرحها با توجه به مصوبات برنامه‌ای و تبصه ۵ برنامه دوم و انتخاب منطقی طرحها و پروژهها.
- ۴- خصوصی سازی به معنی واقعی و صحیح آن و واگذاری بسیاری از کارها به مردم و شکستن انحصارات و تأکید بر سرمایه‌گذاری و حمایت از آن و ارائه الگوی مناسب و استراتژیک در زمینه سرمایه‌گذاریها و جذب نقدینگی و احیاناً سرمایه‌گذاری مشترک.
- ۵- اصلاح ساختار اداری و ادغام تشکیلات موازی و تمرکز زدایی و تفویض بیشتر اختیارات به استانها.
- ۶- گسترش فرهنگ مالیاتی و تنظیم حقوق گمرکی و سود بازرگانی در جهت حمایت از تولیدات و ساخت داخلی.
- ۷- تأکید بر بهره‌وری صحیح از همه امکانات ظرفیتهای پتانسیلهای کشور و ساخت و تولید داخلی و اشتغال سالم و مولد.
- ۸- مسأله نظام تصمیم‌گیری واحد و منسجم و کارآمد و هماهنگ جهت هدایت تصمیم‌گیریهایی

اقتصادی.

۹- حاکمیت نظم و انضباط و مقررات بر درآمدها و هزینه‌ها و طرحها و نظامهای عالی دستگاهها و شرکتها و ...

۱۰- جامع‌نگری و کلان‌نگری در مسائل کشور توسط همه مسؤولان و نمایندگان مجلس و دولت.

۱۱- اصلاح نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ای کشور و تنظیم بودجه عملیاتی.

۱۲- تأکید بر بکارگیری مدیران لایق و کارآمد و ارزیابی عملکرد مدیران و انتصاب آنها براساس تجربه و عملکرد و شایستگیهای لازم.

۱۳- جلب هر چه بیشتر اعتماد ملی نسبت به سیاستها و برنامه‌ها و سیستم بانکی و نیز جلب اعتماد بین‌المللی به سیستم بانکی و توان کشور در انجام تعهدات مربوطه و روابط دو جانبه یا چند جانبه.

۱۴- تعیین استراتژی توسعه اقتصاد ملی و استراتژی توسعه صنعتی کشور و انتخاب صنایع لازم برای سرمایه‌گذاری و تکمیل حلقه‌های مفقوده و برقراری ارتباط بین مراکز آموزشی، تحقیقاتی و پژوهشی با مراکز صنعتی و تولیدی.

۱۵- تنظیم استراتژی بازرگانی کشور و واردات و صادرات، تعرفه‌ها و اتخاذ سیاستهای مناسب در جهت حمایت از تولیدات داخلی و رشد تولید و تنظیم حقوق گمرکی و سود بازرگانی با توجه به ابعاد مختلف آن و مبارزه جدی با قاچاق کالا و واردات غیر ضرور و یا کالاهای ساخته شده.

۱۶- هدایت صحیح و دقیق تسهیلات و اعتبارات سیستم بانکی در جهت اهداف و استراتژیهای دراز مدت نظام و حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری و نظارت جدی و دقیق بر امر تسهیلات اعطایی.

۱۷- تأکید بر الگوی مصرف متناسب با امکانات و شرایط و منابع کشور و برقراری رابطه صحیح و منطقی بین تولید و مصرف و مبارزه با فرهنگ رفاه و تجمل پرستی و ...

۱۸- تلاش در جهت افزایش نرخ پس انداز ملی و سهم بودن و مشارکت عمومی جامعه در کاهش مصرف، افزایش پس انداز، نقش داشتن در تولید و اقتدار ملی و کار و تولید.

۱۹- بررسی و طرح بحثهای مربوط به آمایش سرزمین و آمایشهای منطقه‌ای و استانی و قطبهای مختلف کشور از جهات گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و از لحاظ تهدیدات و آسیب پذیریه‌ها و غیره.

از جمله طرح آمایش استان تهران با وسعتی در حدود ۴۰,۰۰۰ کیلومتر مربع و بیش از ۱۲ میلیون جمعیت «حدوداً» جمعیت کشور و یکپارچه دیدن آن و طرح توسعه تفصیلی آن برای ۲۰ الی ۳۰ سال آینده با توجه به شرایط کشور و مناطق دیگر و وضعیت شهرکهای اقماری و رشد جمعیت و مهاجرت و مسائل ارتباطی و ...

۲۰- در نهایت تنظیم الگوی توسعه برای ۲۵ تا ۳۰ سال آینده با توجه به محدودیت منابع و پایان پذیری منابع نفتی، رشد جمعیت نیازهای درازمدت جمعیت از جهات گوناگون، رشد و پیشرفت علوم و تکنولوژی و صنعت در جهان، ارتباطات و گسترش آن تا صنایع نظامی و بنیه دفاعی کشور و نقش هر یک از مردم و دولت و بانکها و تعاونیها در این رابطه و تأکید بر افزایش منابع درآمدی و ارزی کشور و ایجاد زمینه‌های لازم برای صدور خدمات فنی و نیروی انسانی و حضور در بازارهای جهانی و منطقه و مشارکت در فعالیتهای خارجی و انجام پروژهها و نیز استفاده مطلوب از موقعیت ترانزیتی و منطقه‌ای کشور و

صادرات مجدد و ایفای نقش مهم و استراتژیک یک کشور در رابطه با شمال و جنوب و غرب و شرق و استفاده هر چه بهتر از این موقعیت و تثبیت و تحکیم و تقویت موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی و استراتژیکی جمهوری اسلامی ایران و ارائه خدمات مناسب بانکی، بیمه‌ای، ترانزیت کالا، و خدمات حمل و نقل و خدمات بندری و حقوقی و بهداشتی و پشتیبانیهای دیگر از قبیل فرودگاه، ترمینال، هتل و رستوران و جهات فراوان دیگر و سازماندهی نیروی انسانی برای این کار و ... و تشکیل بانکها و مؤسسات مشترک و سرمایه گذار یهای مشترک در صورت لزوم.

۱۰- دو نکته مهم

مسأله مهم در این رابطه دو چیز است که باید با برنامه و سیاستگذاری لازم به این دو مطلب عنایت شود:

الف - مجلس پنجم و رسالت آن و برنامه داشتن برای کار.

ب - دولت آینده برنامه آن به عنوان یک ضرورت جدی و سرنوشت ساز.

و این مطلب یعنی یک برنامه ده ساله برای کشور عزیزمان که در طول ده سال آینده سرنوشت کشور چگونه باید رقم بخورد و مجلس و دولت آینده انشاءالله برای یک دوره هشت ساله چه تأثیری در هدایت و تنظیم و تکمیل طرحها و پروژها و سیاستها و خط مشی‌ها و رشد و توسعه ملی ایفا خواهد نمود. و با مشکلات و تنگناها دست بگریبان خواهد شد. و به هر مسأله‌ای چگونه جواب خواهد داد و راه‌های او برای مسائل گوناگون کار و اشتغال و سرمایه‌گذاری و آموزش و امنیت ملی و اقتصادی و رشد و عدالت اجتماعی و تراز بازرگانی و تراز ارزی و تعادل بودجه‌ای و منطقی کردن هزینه‌ها و توجه به مسائل مهم و استراتژیک جامعه و کشور چگونه خواهد بود. سیاستهای اقتصادی به طور قطع باید از ثبات لازم برخوردار باشد و نمی‌توان مرتب بر اقتصاد شوک وارد کرد و اقتصاد را دچار نوسانهای شدید و اختلال و ناامنی کرد و یا با حرکت‌های سیکلی و زیگزاگی آن را به پیش برد.

قطعاً کشور به برنامه‌های توسعه نیازمند است و برای برنامه توسعه باید برنامه ریاضت را در پیش گرفت و کار و کوشش و دلسوزی و تعهد و مدیریت و چاره‌اندیشی را، نه برنامه رفاه را؟!!

برنامه رفاه و ریخت و پاش و ترویج و تبلیغ و تشویق و مصرف سم مهلک موجب تباهی منابع و حرث و نسل خواهد شد و توان ما را برای حرکت‌های سالم و تعادلی از میان خواهد برد.

به طور قطع تشکیلات کشور باید کوچکتر و کارا تر بشود. و دولت نقش اصلی خود را در سیاستگذاری و هدایت کلان اقتصادی عهده‌دار شود. و بسیاری از کارهای غیر ضرور به مردم واگذار شود و از پتانسیل و منابع مردمی استفاده شود و بازار رقابت در جامعه فعال باشد و دولت نظارت، اشراف و سیاستگذاری کند.

باید یادآور شد کشور فرصت چندانی برای اقدامات و بهره‌برداری مطلوب از امکانات خود را ندارد و این فرصت استثنایی و حساس است.

البته و نهایت هر تصمیم‌گیری و سیاستگذاری نیاز به تفاهم، همدلی، انسجام و هماهنگی و آینده‌نگری و مشارکت جدی مردم و بهادادن به مردم و جلب اعتماد مردم از جمله وفاق اجتماعی دارد. تا هر کس

به نحوی خود را شریک و سهام‌بداند و سرنوشت خود را به آن وابسته و اقتدار و توسعه ملی را وظیفه خود بداند و کشور را در پیشرفت و سربلندی یاری دهد و احساس وظیفه و دلگرمی داشته باشد.

این نکته نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد که سیاستهای رکودی به ویژه برای درازمدت سم است و در رکود توقف همه چیز و آثار شوم آن روشن است.

همان طور که سیاستهایی نیز که موجب تورم شدید مخصوصاً در یک دوره بلند مدت بشود برای جامعه قابل تحمل نیست و آثار بسیار مخربی خواهد داشت.

در نهایت عرض بنده در استفاده بهینه از منابع و مدیریت صحیح و اولویت بندی در کارهاست. البته این مسأله نسبت به منابع پولی و بانکی و ارزی و ریالی بسیار حساستر و چنانچه خوب عمل شود بسیار کار سازتر خواهد بود. مبلغ ۶۰۰۰ هزار میلیارد تومان مبلغ بسیار بالایی است با توجه به قدرت اعتبار دهی و تسهیلات شبکه پولی و نیز سرعت گردش پول می‌تواند از کارایی بسیار بالا برخوردار باشد. متأسفانه طبق آمار حدود ۴۵ درصد این پول در سال ۷۲ و شاید ۷۳ و ۷۴ بیشتر در بخشهای غیر سالم و غیر سازنده مانند دلالی و واسطه‌گری و مشاغل کاذب و فعالیتهای زیرزمینی بکارگرفته شده که چنانچه خوب هدایت شود خود عظیم‌ترین سرمایه است. و اعطای تسهیلات بانکی و اجرای تبصره دار بودجه‌ای مانند تبصره ۵۰ و ۵۲ و ۳ و ۴ و غیره و تبصره‌های تکلیف‌دار بودجه نیز نباید منتهی به ضعف و عدم کارایی دستگاهها و شرکتها و منابع و سرمایه‌ها شود. این قبیل منابع باید در صورت ضرورت و نیاز نقش اصلی خود را در افزایش تولید و هدایت سرمایه‌ها و کار و اشتغال ایفا نماید نه اینکه به صورت و انتهای اقتصادی و تعهدات مستقیم و غیر مستقیم برای دولت با پول مردم و امانتها و سپرده‌های مردم دیگران و شرکتها استفاده و تجارت کنند و سرمایه‌دار شوند و پول دار. و امها به قدر ضرورت و نیاز با کارایی بسیار بالا نه به صورت پول توجیهی و منابع عمومی که به هر صورت باید از آن استفاده کرد. و احیاناً با نرخ کار مزد کم و حمایتها و تضمینهای دولت و تعهد خزانه کشور عده‌ای پول‌دار شوند.

چرا در آنجا که وظایف ارزشی و اخلاقی و ضرورت‌های ملی و انقلابی و یا عدالت اجتماعی و یا قداست خانواده و یا مناطق محروم و اولویتهای مربوط و یا حوادث ناگوار ایجاد می‌کند باید حمایت نمود و دولت نیز باید تضمین و مساعدت نماید.

اما نه اینکه این قبیل تسهیلات موجب پوشش ضعفها و عدم کاراییها و یا خدای ناخواسته سوء استفاده و سوء مدیریتها و ریخت و پاشها بشود. در بسیاری از موارد سیستم بانکی که امانتدار پول مردم و قدرت خرید مردم است باید بتواند با اقتدار و استقلال از قدرت خرید مردم دفاع کند و ارزش پول ملی را حفظ کند و هر گونه تعهدی را با منطق و استدلال و مصلحت بپذیرد.